

Industry share; from creation to organization in Iranian law (with the use of French law)

Seyyedi Arani. Seyyed Abbas¹

1: Assistant Professor, Department of Law, Kashan University, Kashan, Iran
abbas.seyedi@yahoo.com

Abstract: Creating and organizing an unknown concept of industry share in civil law requires investigating quiddity, why and how to accept it. Benefiting from provisions of French law as an inspiration for Iranian company law is heuristic. In a complete definition, industry share is non-financial, Immaterial and gradual. So, its confirmation in the civil law makes it easy to differentiate the company from the common ownership and proof of the secret company, and assigning it to the partners in the articles of association prevents the passive partner from benefiting from the work of the active partner. These features are the basis of assigning it to the company: The bringer of the industry is a real partner, so this share has no role in the capital. So, a special share is assigned to him, so he cooperates with other partners on the basis of equality to achieve common benefit. How to allocate rights to such contributions varies depending on the effect on the realization of the company's activity; The insignificant importance of the industry in the realization of the issue requires the reduction of the contributor's share in profit, loss and debt, and due to the large role in its implementation, such a partner shares equally with the contributors of capital. The rules that specify his share in the remainder of the purification operation. In centers of activity and talent, such as a professional civil company, with the promotion of the industry, the basis of unfair rules is lost: the compensation for the savings from undivided profits or the release of the added value of the assets resulting from the activities of the partners, to them. Company shares are allocated free of charge. A situation that causes the industry to become a partner in capital and benefit from its benefits, even after the dissolution of the company.

Keywords: Industry share, Commercial company, Civil company, Equity, Common ownership.



فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۶- شماره ۳۶ - پاییز ۱۴۰۳

صفحات ۲۲۳-۲۵۴ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۲/۱۲/۰۳ - بازنگری ۱۴۰۳/۰۴/۱۲ - پذیرش ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره گیری از آورده‌های حقوق فرانسه)

سید عباس سیدی آرانی^۱

m.gharibpoor@yu.ac.ir

۱: استادیار گروه حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

چکیده: ایجاد و سازماندهی مفهوم ناشناخته «آورده صنعت» در قانون مدنی مستلزم بررسی چیستی، چرایی و چگونگی پذیرش آن است. بهره‌مندی از آورده‌های حقوق فرانسه به‌عنوان الهام‌بخش حقوق شرکت های ایران راه‌گشاست. آورده صنعت با موضوع مهارت، غیرمالی، غیرمادی و تدریجی‌الحصول است. پس تأیید آن در قانون مدنی تمایز شرکت از اشاعه و اثبات شرکت مخفی را آسان می‌کند و اختصاص آن در اساسنامه به شرکاء مانع بهره‌مندی شریک منفعل از حاصل کار شریک فعال می‌شود. همین ویژگی‌ها مبنای اختصاص آن به شرکت قرار می‌گیرند: آورنده صنعت شریک واقعی است منتهی این حصه در سرمایه نقشی ندارد. پس سهمی خاص به وی تعلق می‌گیرد ولی او بر پایه تساوی برای رسیدن به منفعت مشترک با سایر شرکاء همکاری می‌کند. چگونگی اختصاص حقوق به چنین آورده‌ای بسته به تأثیر در تحقق موضوع فعالیت شرکت متفاوت می‌شود؛ اهمیت ناچیز صنعت در تحقق موضوع، کاهش سهم آورنده در سود، زیان و دیون را می‌طلبد و به دلیل نقش آفرینی زیاد در اجرای آن، چنین شریکی با آورندگان سرمایه به صورت یکسان سهم می‌برد. قواعدی که سهم وی را در باقی‌مانده عملیات تصفیه نیز مشخص می‌سازند. در کانون‌های فعالیت و استعداد مانند شرکت مدنی حرفه‌ای، با ارتقای آورنده صنعت مبنای این قواعد ناعادلانه از بین می‌رود: مابه‌ازای اندوخته‌های حاصل از منافع تقسیم نشده یا آزادسازی ارزش افزوده دارایی ناشی از فعالیت شرکاء، به ایشان سهام شرکتی رایگان اختصاص می‌یابد؛ وضعیتی که موجب می‌شود آورنده صنعت به شریک در سرمایه تبدیل و از مزایای آن، حتی پس از انحلال شرکت بهره‌مند شود.

کلیدواژه‌ها: آورده صنعت، شرکت تجاری، شرکت مدنی، سرمایه، اشاعه.

پژ. سیدی آرانی - سال شانزدهم - پاییز ۱۴۰۳ - شماره ۳۶

- سیدی آرانی، سید عباس (۱۴۰۳) آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره‌گیری از آورده‌های حقوق فرانسه)، *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۶، صفحات ۲۲۳-۲۵۴.

[Doi: 10.22075/feqh.2024.33354.3853](https://doi.org/10.22075/feqh.2024.33354.3853)

مقدمه

اگر از منظر یک سیستم حقوقی که مفهوم شرکت در آن ایجاد و سازماندهی شده است به حقوق ملّی نگریسته شود پرسشی محتوم ذهن را درگیر می‌کند: چگونه یک سیستم حقوقی بدون مفهوم شرکت نیازهای خود را تأمین می‌نماید؟ هرچند تلاش بی‌وقفه علمای حقوق برای حلّ مسائل ناشی از نبود این مفهوم درخور تحسین است اما تشتّت آراء و اندیشه‌ها در موضوع پیچیده حقوق شرکت‌ها منتفی نیست. ضرورت ایجاد و سازماندهی این مفهوم در قانون مدنی خودنمایی می‌کند؛ تحقّق چنین آرمانی دشوار ولی اجتناب‌ناپذیر است.

بی‌تردید، پندار وجود مفهوم شرکت در حقوق ملّی محکوم است. شرکت «قراردادی برای اختصاص اموال و خدمات به فعالیتی مشترک، تقسیم منافع یا صرفه-جویی تحقق یافته میان طرفین و تعهد به سهم شدن در زیان است (ماده ۱۸۳۲ ق.م.ف)». پس «قصد شریک شدن، تحقق آورده و سهم شدن در سود و زیان» ارکان شرکت هستند (Loloum, 1998; 974). تعریف شرکت به «اجتماع حقوق مالکان متعدّد در شیء واحد به نحو اشاعه (ماده ۵۷۱ ق.م)» ارکان اشاعه یعنی «وحدت حقّ، وحدت موضوع و تعدّد مالک» را بیان می‌کند. شرکت، شکلی از بهره‌برداری مشارکتی و اشاعه، نوعی مالکیت است (Cozian, 1997; 638).

گسترده‌گی موضوع، انجام آن را در پژوهشی مختصر، غیرممکن می‌کند. به همین دلیل، این پژوهش حول محور «آورده صنعت» می‌چرخد. فعالیت و استعداد خاص شرکاء لحاظ آورده صنعت را می‌طلبد. منتهی لزوم مالکیت سهمی از مایملک برای شریک المال شدن، آورده صنعت را در اشاعه بی‌معنا می‌سازد (سیدی آرانی، ۱۳۹۳: ۲۶۶). پس بررسی آن، سوای رفع خلأ این رکن، خط بطلانی بر پندار وجود مفهوم شرکت در حقوق مدنی ایران می‌کشد.

در قانون مدنی فرانسه، مقرّراتی به آورده صنعت اختصاص یافته است. قانونگذار فرانسه، با این مقرّرات رکن بودن حصّه صنعت را تایید و ارتباط آن را با سایر ارکان

تعیین می‌کند. آورده صنعت، رکن عقد شرکت است، در سرمایه شرکت نقشی ندارد (ماده ۲-۱۸۴۳ق.م.ف) ولی آورنده آن شریک واقعی تلقی می‌شود (ماده ۱۸۳۲ق.م). بی‌دلیل نیست که وی باید تعهد خود را برای شرکت انجام و تمام ماحصل فعالیت خویش را به آن اختصاص دهد (ماده ۳-۱۸۴۳ق.م). به علاوه، او در سود و دارایی خالص شرکت سهم دارد و متعهد به پرداخت زیان (ماده ۱-۱۸۴۴ق.م.ف) و دیون شرکت (ماده ۱۸۵۷ ق.م از مقررات شرکت مدنی) است.

در حقوق مدنی ایران، شرایط پیچیده است؛ زیرا نویسندگان ملی با مواد ۵۷۱ به بعد قانون مدنی به استقبال موضوع شرکت می‌روند (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۴۱/۲؛ امامی، ۱۳۹۴: ۲۳۰/۱؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۲۵). برخی نیز با بهره‌گیری از مقررات عقود مضاربه و مزارعه، در پی اثبات آن هستند (کاشانی، ۱۳۸۸: ۵۸). با وجود ردّ پایی از شرکت در این عقود، نمی‌توان آنها را شرکت دانست؛ زیرا موضوع آنها، محدود و فاقد ارکان ویژه شرکتند. «قصد شریک شدن»، یعنی «اراده مشارکت در سود و زیان فعالیت مشترک» تفاوت‌ها را آشکار می‌سازد؛ معافیت شریک از سود و زیان در عقود مزبور ممکن است (مواد ۵۲۰ و ۵۵۸ ق.م)؛ وضعیتی که حقوق شرکت‌ها آن را بر نمی‌تابد. علیرغم توجه متخصصان حقوق تجارت به آورده صنعت (اسکینی، ۱۴۰۱: ۲۴/۱)، تردیدها و خلأهایی به دلیل عدم سازماندهی آن ایجاد شده است.

سازماندهی نهادی محلّ بحث است که جایگاهی در قانون مدنی ایران ندارد. اقناع قانونگذار برای ایجاد آن آسان نیست؛ اختلاطی در آثار نویسندگان ملی میان دو مفهوم شرکت و اشاعه وجود دارد که مانع از احساس نیاز برای رفع این خلأ شده است. در این شرایط، بررسی چستی و چرایی پذیرش آورده صنعت برای اقناع قانونگذار محلّ گفتگوست. از هم‌اکنون می‌توان ویژگی‌های خاصّ و در نتیجه، آثار حقوقی متفاوتی برای این حصّه تصور نمود. بنابراین، ضرورت بررسی چگونگی اختصاص این آورده و اعطای سهام به آن خودنمایی می‌کند تا مسیر وضع مقررات در قانون مدنی هموار گردد.

۱- ضرورت پذیرش آورده صنعت

بررسی چرایی پذیرش آورده صنعت، مستلزم شناخت دقیق این مفهوم است. نبود این مفهوم در قانون مدنی، ضرورت بررسی چیستی آن را توجیه می‌کند.

۱-۱- چیستی مفهوم آورده صنعت

با ارائه تعریف حقیقی از معنی، تشخیص مفهوم و مدلول لفظ و تمایز مصادیق آن از امور دیگر ممکن می‌شود (خندان، ۱۳۹۶: ۹۱). در موضوع آورده صنعت، هدف از تعریف حقیقی، تجزیه و تحلیل اجزا، مندرجات و محتویات آن است. حدّ تامّ، به عنوان کامل‌ترین نوع تعریف حقیقی، متشکل از جنس و فصل قریب است. مفهوم کلی‌تر، جنس (قریب) برای جنس ماقبل، تلقی و «فصل قریب» موجب امتیاز نوعی از انواع دیگر می‌شود. این نوع تعریف نه تنها دال بر مَقومّات ماهیّت است بلکه ممیّز ذاتی آن را بیان می‌کند (خندان، ۱۳۹۶: ۹۱). تبیین ماهیّت آورده صنعت و تمایز آن از انواع دیگر آورده، قانونگذار را به پذیرش آن ترغیب می‌نماید.

۱-۱-۱- تعریف به جنس

شریک می‌تواند صنعت یعنی فعالیت، دانش، هنر و حتی اعتبار خود را به شرکت بیاورد. البته دوام، قوام و مشروعیت، شرط لازم برای آن است. چنین شریکی متعهد می‌شود تا فعالیت شخصی خود یعنی تخصّص فنی، خدمت و به صورت کلی، کار را به شرکت اختصاص دهد. به عبارتی، «آورنده صنعت مانند کارگر است ... «قصد شریک شدن» و «نبود رابطه آمر و مأموری» شریک را از کارگر متمایز می‌سازند (Cozian, 1997: 73)». آورنده صنعت باید در انتخاب ابزار اجرای فعالیت خویش، آزاد باشد. البته احترام به تصمیمات شرکته ضروری است.

معیار تبعیّت در فروضی، صرفاً جنبه تئوری دارد. فرض کنید در یک شرکت، مدیر از خارج شرکت باشد و دستمزد دریافت نماید و آورنده صنعتی نیز شریک شرکت باشد که در اقلیت است. این شریک نسبت به مدیر تأثیر کم‌تری دارد. اگر شریک

ادعایی، صرفاً وظیفه اجرای دستورات را بدون نقش آفرینی در مدیریت داشته باشد نمی - توان فعالیت وی را آورده صنعت دانست (Le Cannu, 2012: n°110). در هر صورت، صنعت باید به عنوان آورده شریک باشد، نه به عنوان فعالیت که شرکت مابه - ازای آن دستمزد می دهد (اسکینی، ۱۴۰۱: ۲۷/۱).

آورده صنعت باید با وظیفه ای مشخص، منطبق باشد. با وجود این، دیوان عالی فرانسه در موضوع یک شرکت مخفی (برای تفاوت این شرکت و شرکت عملی^۱ ر.ک: سیدی آرانی، ۱۴۰۱)، نفوذ مشروع شخص را آورده صنعت می داند مشروط به این که انجام امور شرکت را آسان کند (برای نظر مخالف در حقوق ایران، ر.ک: صقری، ۱۳۷۱: ۱۹۳؛ ستوده تهرانی، ۱۴۰۱: ۲۰۸/۱). بدین ترتیب، دیوان رویه منعطفی دارد. نمی توان فعالیت شریک آورنده حصه دیگر به تبع شریک بودن را آورده صنعت دانست. تفاوت محرز است: فعالیت دارای ویژگی خاص را می توان آورده صنعت تلقی نمود. مناسب است شرکاء به طور دقیق، فعالیت روزانه آورنده صنعت را در اساسنامه تبیین کنند (Le Cannu, 2012: 157). این آورده باید در اساسنامه متبلور شود، وگرنه فعالیت شریک، عنوان آورده صنعت نمی گیرد (Cozian, 2012: 71).

۲-۱-۱- تعریف به فصل

با وجود تعریف آورده صنعت به ماهیت، احتمال اختلاط میان این مفهوم و آورده - های حق انتفاع و مشتری وجود دارد، زیرا این آورده ها نیز غیرمادی و تدریجی الحصول هستند.

ممکن است حق انتفاعی از مال به شرکت آورده شود. عدم انتقال مالکیت به شرکت و تدریجی الحصول بودن وجه مشترک این آورده با حصه صنعت است. پذیرش صنعت در مدت زمان کوتاه حتی کم تر از مدت شرکت منعی ندارد. در این صورت، شریک،

عنوان خود را قبل از پایان شرکت از دست نمی‌دهد؛ وضعیتی مشابه آورنده حق انتفاع که با از بین رفتن مال موضوع آن، همچنان در شرکت باقی می‌ماند.

تفاوت‌ها نیز غیر قابل انکارند: نخست، اختصاص حق انتفاع، تعهد به تسلیم ایجاد می‌کند منتهی اختصاص صنعت تعهد به فعل را به همراه دارد. دوم، اجبار آورنده صنعت به اجرای فعالیت امکان‌پذیر نیست، زیرا مباشرت وی قید تعهد وی است؛ در حالی که می‌توان آورنده حق انتفاع را به تسلیم مال موضوع آن الزام نمود چرا با تعهد وی حقی برای شرکت ایجاد می‌شود (ماده ۳-۱۸۴۳ ق.م.ف). سوم، برخلاف آورنده صنعت، شریک با بقای موضوع حق انتفاع پس از انحلال، می‌تواند آن را پس گیرد زیرا عین مال متعلق به اوست.

با گذشت زمان برای دارنده شغل با ماهیت مدنی، ارزشی به نام مشتری ایجاد می‌شود (سیدی آرانی، ۱۳۹۹: ۲۲۶). فعالیت و ویژگی مدنی دارد که در چرخه ثروت با هدف سوداگری قرار نمی‌گیرد. با لحاظ ارزش برای مشتری، شریک می‌تواند آن را به‌عنوان آورده مالی به شرکت بیاورد که مانند آورده صنعت، غیر مادی و تدریجی است (Lamboley, 2006: n°99). البته نمی‌توان تفاوت‌ها را انکار کرد: آورده صنعت جنبه مالی ندارد؛ چرا که به عقیده مشهور فقها، نیروی کار انسان مالی مستقل به شمار نمی‌آید (به نقل از صفایی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). هرچند به باور اقلیت فقها، کار انسان وسیله تحصیل مال و واجد ارزش مالی است (به نقل از کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۲۵۵). به علاوه، آورده مشتری، فعالیت گذشته یا حق مکتسب است و صنعت در خدمت آینده قرار دارد. بدین ترتیب، حصه مشتری از مصادیق آورده‌های غیرنقد و صنعت دارای ویژگی‌های خاص است.

البته در شرکت‌های مدنی حرفه‌ای، این دو مفهوم ارتباط بسیار نزدیکی دارند: آورنده مشتری، باید صنعت خود را به شرکت آورد زیرا با عدم فعالیت وی، واگذاری کامل مشتری به شرکت تحقق نمی‌یابد (Bardoul, 1973: 9-11). اگر دارنده،

مشتری را به شرکت معرفی کند و فعالیتی در آنجا انجام ندهد اما تعهد به عدم رقابت با شرکت نماید آورده مشتری کمابیش تحقق می‌یابد.

امکان اختلاط این دو نوع آورده و ضرورت تمایز آنها در مثال وکیل باتجربه‌ای که در زمان تشکیل شرکت، صنعت وی به قیمت قابل توجهی تقویم می‌شود، به خوبی مشهود است. برخی در پاسخ به این پرسش که «سرنوشت شرکت پس از فوت وکیل چه خواهد شد؟» اظهار می‌دارند: «عدم توانایی شریک برای پرداخت قیمت سهام وی در سرمایه یعنی مابه‌ازای آورده صنعت موجب انحلال شرکت می‌شود. اما همان‌طور که فرانسوا تره خاطر نشان می‌سازد، این استدلال ناشی از اختلاط دو مفهوم آورده صنعت و حصه مشتری است: آورده وکیل باتجربه به دلیل صنعت ارزشمند نمی‌شود بلکه دلیل اهمیت آن، مشتری جذب شده به تبع فعالیت وی است (Terre, 1967: n°139).

۱-۲- چرایی پذیرش آورده صنعت

در حقوق شرکت‌ها تأثیر اثباتی و سلبی مفهوم آورده صنعت برای رفع چالش‌ها انکارناپذیر است.

۱-۲-۱- تأثیر اثباتی

آورده صنعت با تأثیر اثباتی خود انواع مختلف شرکت‌ها را اثبات می‌کند و برای رفع خلاهای قانونی شرکت‌های تجاری نیز راهکاری ارائه می‌دهد.

الف: آورده صنعت، رکن مفهوم شرکت

شریک با اختصاص آورده، قرارداد شرکت را تأیید می‌نماید، قصد شریک شدن خود را آشکار می‌سازد و سهم‌الشرکه را دریافت می‌کند. بدین ترتیب، شرکاء فعالیت مشترک (موضوع شرکت) را تحقق می‌بخشند. به عبارتی، این رکن، سایر ارکان شرکت را در خود جای می‌دهد. سختگیری قانونگذار فرانسوی بی‌مورد نیست که مقرر می‌دارد: «اگر آورده نباشد، شرکتی نیز وجود ندارد» (مواد ۳-۱۸۴۳ و ۱۰-۱۸۴۴ ق.م.ف). نمی

توان در نظامی ادعای وجود مفهوم شرکت را نمود ولی یکی از ارکان اساسی آن را نادیده گرفت.

با وضعیت کنونی مقررات، تردیدهایی در ضرورت پذیرش آورده صنعت و اعطای سهام به دلیل تغییر در میزان و کیفیت فعالیت شرکاء ایجاد می‌شود؛ کاهش میزان فعالیت شریک در زمان تشکیل و نیز در حیات شرکت اتفاق می‌افتد. می‌توان بدون پذیرش آورده صنعت، تنوع فعالیت را در زمان تقسیم منافع لحاظ نمود به ویژه که تناسب میان منفعت متعلق به شریک با میزان سهام در سرمایه الزامی نیست (ماده ۱۱۹ ق.ت). این عدم الزام، ارزیابی و اعطای منفعت برای صنعت شرکاء را امکان‌پذیر می‌کند. با پرداخت سهام شرکتی به شریک آورنده صنعت، ابطال آن در زمان کاهش فعالیت، دشوار می‌گردد منتهی با اعطای سهم بیشتری از منفعت، اعمال تغییراتی در آن (سهم) آسان است. در این تحلیل، به ویژه احتمال انحلال شرکت مغفول مانده است. در این مورد، منفعت مطرح نیست تا بتوان مساله را با پرداخت نسبت‌های متفاوت حل نمود (Liet- (110:1966, Veaux بلکه سرمایه شرکت نقطه پرگار استدلال هاست. به عبارتی، در این فرض، باید ارزش سهام شریک، مشخص باشد زیرا ارزش سهام، سهم هر شریک نسبت به دارایی زمان تصفیه و باقی‌مانده این عملیات را تعیین می‌کند. بدیهی است که در مرحله تصفیه، شرکت فعالیتی ندارد تا مبنای پرداخت سهم هر شریک قرار گیرد. البته وضع قواعد استثنایی به‌دلیل ماهیت آورده صنعت الزامی است.

نمود مفهوم آورده صنعت بعنوان رکن شرکت مدنی ضرورت ایجاد آن را در قانون مدنی دو چندان می‌سازد. در واقع، اختلاطی میان شرکت مدنی و اشاعه در آثار نویسندگان داخلی وجود دارد. به باور برخی، «در نظام قانون مدنی، به پیروی از فقه امامیه، آورده شریک نمی‌تواند چیزی جز حق مالکیت باشد ... در شرکت به مفهوم قانون تجارت ... آورده می‌تواند صور گوناگونی داشته باشد» (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۷/۲). ولی شرکت مدنی و تجاری در ماهیت آورده متفاوت نیستند بلکه «موضوع فعالیت»، وجه تمایز آنهاست. ما نیز این امر را به عنوان یک اصل می‌پذیریم، منتهی استثنایی بر

آن وارد می‌کنیم و از دایره شمول آن می‌کاهیم؛ پذیرش موضوع شرکت به عنوان ملاک جدایی دو شرکت تجاری و مدنی مانع نمی‌شود که در مواردی شکل شرکت را به عنوان معیار در نظر بگیریم. ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مقرر می‌دارد: «شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو این که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد».

هرچند به باور برخی، «آورده عامل در عقد مضاربه حرفه اوست که باید منحصراً بازرگانی و تجارت باشد. بنابراین، عقد مضاربه ترکیبی از سرمایه و حرفه و مصداق شرکت مدنی است» (کاشانی، ۱۳۸۸: ۸۲)، اما اگر مضارب، سرمایه بیاورد و آورده عامل، صنعت با ماهیت بازرگانی باشد، موضوع فعالیت، تجاری است.

در نتیجه آشفتگی در آثار نویسندگان داخلی، این پرسش مطرح می‌شود که ایشان مقررات شرکت قانون مدنی را مقررات مفهوم شرکت می‌دانند یا مقررات خاص شرکت مدنی؟! در واقع، برخی در فصل مربوط به «مفهوم شرکت» بر این باورند که «برای تحقق شرکت، ضروری است دو یا چند حق مالکیت با هم درآمیزد (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۳/۲)» و در جای دیگر، در مورد «شرکت‌های مدنی»، اعلام می‌دارند «شرکت مدنی اتحادی است که ... به تراضی می‌توان اموال مشترک را به دلخواه اداره کرد یا مبنای شرکت را بر هم زد (همان: ۲۷)».

نظرات متخصصان حقوق تجارت متأثر از این نوع موضعگیری هاست. ایشان در موضوع سهام شرکاء و از جمله آورنده صنعت در هر دو شرکت تجاری و مدنی به ماده ۵۷۵ ق.م.ا.ستناد می‌کنند (اسکینی، ۱۴۰۱: ۴۰/۱ و ۱۳۶؛ ستوده تهرانی، ۱۴۰۱: ۲۵۲/۱). نمی‌توان نهادی فاقد رکن آورده صنعت را شرکت دانست یا حتی شرکتی خاص را بر پایه آن تأسیس نمود. در قانون مدنی فرانسه، مفهوم شرکت (مواد ۱۸۳۲ تا ۱۷-۱۸۴۴) و مقررات شرکت مدنی (مواد ۱۸۴۵ تا ۱-۱۸۷۰) تبیین شده‌اند. با نبود این مقررات در

آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره گیری از آورده‌های... — ۲۳۳

قانون مدنی ایران، پافشاری بر وجود هریک از آنها در موقعیت های متفاوت شگفت آور است!

این واقعیت که اجرای انحصاری و مؤثر فعالیت در تمام شرکت‌ها بر آورنده صنعت و فقط در شرکت مدنی حرفه‌ای بر تمام شرکاء (Terre, 1967: n°137) تحمیل می‌شود، برخی را به این راه کشانده است که پذیرش آورده صنعت و اعطای سهام به آن در شرکت اخیر دو مفسده دارد: پرداخت سود مساوی و پرداخت سود متفاوت با سایر شرکاء. اقدام نخست، عبث و اقدام دوم غیر قابل پذیرش است. به همین دلیل، «نمی‌توان آورده صنعت را در چنین شرکتی پذیرفت»^۱. درحالی که در حقوق شرکت‌ها، شرکاء پس از تقویم آورده‌ها می‌توانند در مورد پرداخت سود مساوی تصمیم بگیرند. پرداخت سود متفاوت نیز امکان‌پذیر است مگر اختصاص تمام سود به یک شریک.

در شرکت مدنی حرفه‌ای، اهمیت آورده صنعت ریشه در یک واقعیت دارد: با وجود آورده نقد یا غیرنقد، شرکت سرمایه متبادر به ذهن می‌شود. منتهی لحاظ جوهره برخی حرفه‌ها به ویژه حرفه‌های آزاد، پیش‌بینی آورده دیگری با موضوع فعالیت و استعداد را می‌طلبد: **آورده صنعت**. این ادعا که شرکتی با موضوع کار، استعداد و فعالیت فقط با سرمایه‌ای متشکل از اموال مادی و غیر مادی تشکیل گردد، موجب شگفتی است (Liet-Veaux, 1966: 110).

«سازگاری با موضوع و عضویت شرکاء برای فعالیت در آن، آورده صنعت را در شرکت مدنی حرفه‌ای به آورده‌ای اساسی تبدیل می‌نماید. تشکیل چنین شرکتی به‌عنوان قانون فعالیت و استعداد، صرفاً با سرمایه غیرممکن است» (Liet-Veaux, 1966: 110). البته وجود ویژگی همیشگی و همه‌جایی آورده صنعت، «تشخیص موضوع این شرکت و فعالیت شریک» را دشوار می‌سازد (Bardoul, 1973: n°3). هم‌چنین، تفکیک میان «آورده شریکی که فعالیت خود را در اختیار شرکت قرار می‌دهد» و «فعالیت الزامی برای عضویت در شرکت» آسان نیست.

1. JO. Déb. Parl., Ass. Nat., 4 octobre 1966, p. 3117.

حقوق شرکتی مابه‌ازای آورده صنعت تکمیلی و با ویژگی خاص پرداخت می‌شود، نه برای فعالیت الزامی شریک.

در قانون تجارت «تشکیلات و مؤسساتی برای مقاصد غیر تجارتي» پیش‌بینی شده است (ماده ۵۸۴ ق.ت؛ ر.ک: مواد ۲۱ و آیین‌نامه ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجارتي مصوب ۱۳۳۷). با مجوز قانون، برخی دارندگان مشاغل آزاد نظیر وکلا می‌توانند با اختصاص سرمایه و صنعت خویش، مؤسساتی را ایجاد و منافع را میان خود تقسیم کنند. هرچند این مؤسسات، تجاری نیستند اما ایجاد آنها برای تحقق منفعت، منعی ندارد. در واقع، «موضوع» و «هدف» معیارهای تفکیک این مؤسسات از شرکت تجاری هستند؛ علمی یا معنوی بودن فعالیت حتی با هدف کسب سود، به مؤسسه وصف غیر تجاری می‌بخشد. فعالیت تجاری شرکاء با هدف کسب سود و زیان مؤسسه را تجاری می‌کند (اسکینی، ۱۴۰۱: ۳۴/۱). پس ارکان تعاریف تفاوتی ندارند؛ بس محتمل است که آورده در چنین مؤسساتی، صنعت باشد.

ب: آورده صنعت، رفع کننده خلاها

قانونگذار ایرانی با چشم‌پوشی از مفهوم شرکت و اکتفا به مقررات اشاعه قانون مدنی، شرکت‌های تجاری حقوق فرانسه را پذیرفت. در حالی که در حقوق فرانسه، مقررات شرکت قانون مدنی قواعد عام شرکت‌های تجاری را تشکیل می‌دهند. خلاهای فراوان و مسائل متعدد، نتیجه چنین اقدامی است.

در حقوق فرانسه، پذیرش آورده صنعت در شرکت با مسئولیت محدود به شرط پیش‌بینی در اساسنامه ممکن است (Cozian, 2012: 56-57). پیچیدگی آورده صنعت می‌تواند تا چگونگی پذیرش آن در اساسنامه تعیین شود (ماده ۷-۲۲۳ ق.ت.ف). آورده صنعت در شرکت‌های سهامی ممنوع است مگر در ارتباط با شرکای ضامن شرکت مختلط سهامی (ماده ۳-۲۲۵ ق.ت.ف). دلیل چنین ممنوعیتی، ارزش بیش‌تر سرمایه نسبت به فعالیت در این شرکت‌هاست؛ احتمال واهی بودن فعالیت یا

آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره گیری از آورده‌های... — ۲۳۵

تقویم غیرواقعی آورده به دلیل اقتدار شرکای قوی تر وجود دارد. تحمیل چنین وضعیتی بر دو گروه از اشخاص صحیح نیست: نخست، اقلیتی از شرکاء که موقعیت مناسبی برای تأثیر گذاری ندارند و دوم، اشخاص ثالث که به دلیل حضور آورندگان صنعت در مورد سرمایه این شرکت دچار اشتباه می‌شوند (Le Cannu, 2012: n°229).

در حقوق ایران به دلیل نبود چنین ممنوعیتی، آورده صنعت در تمام شرکت‌ها پذیرفتنی است؛ هر چند تردیدهایی وجود داشته باشد. برای نمونه، برابر ماده ۹۶ ق.ت، شرکت با مسئولیت محدود به محض تادیه تمام سرمایه نقدی و نیز تقویم و تسلیم آورده-های غیر نقدی تشکیل می‌شود. از لفظ «تسلیم»، لزوم مال بودن آورده برداشت نمی‌شود زیرا قانونگذار در مقام بیان نوع سرمایه نیست بلکه مقرر می‌دارد از آورده‌ها، آنچه قابل تسلیم است باید تسلیم شود؛ وضعیتی که فقط در مورد مال صدق می‌کند (اسکینی، ۱۴۰۱: ۲۵۳/۱). چنین مقررهای بر شرکت‌های تضامنی (ماده ۱۱۸ ق.ت) و نسبی (ماده ۱۸۵ ق.ت) نیز حاکم است.

«آورده صنعت در هر شرکتی قابل پذیرش است؛ مشروط به تسهیل تحقق موضوع شرکت» (Bardoul, 1973: n°2). البته ضرورت پذیرش آن در شرکت‌های اشخاص و سرمایه یکسان نیست؛ مسئولیت نامحدود شرکای شرکت‌های اشخاص، آورده صنعت را توجیه می‌کند (اسکینی، ۱۴۰۱: ۲۵۳/۱). توسل به منفعت طلبکار شرکت که برای پذیرفتن آورده صنعت در شرکت‌های سرمایه مطرح می‌شود، در رابطه با این شرکت‌ها موضوعیت ندارد، زیرا منافع طلبکار به دلیل مسئولیت تضامنی یا نسبی شرکای آنها تأمین می‌شود.^۱

بنابراین، پذیرش آورده صنعت در شرکت‌هایی مسأله ساز است که مسئولیت شرکاء به نسبت آورده ایشان است. بی‌دلیل نیست که تردیدهایی در پذیرش آن در شرکت‌ها با مسئولیت محدود وجود دارد. به باور برخی، «منطقی نیست که شرکاء بتوانند صنعت خود را در شرکت با مسئولیت محدودی ... بیاورند...». پس با ایشان هم‌صدا می‌شویم

1. JO. Déb. Parl., Ass. Nat., 4octobre1966, p.3118;

که «... قانونگذار [باید] ... آوردن صنعت را به شرکت با مسئولیت محدود ممنوع کند...» (اسکینی، ۱۴۰۱: ۲۵۴/۱-۲۵۳)؛ سهم قانون مدنی در نظام اصلاحات، ایجاد و سازماندهی قواعد عام و سهم قانون تجارت، سازماندهی قواعد خاص هر شرکت تجاری است.

۲-۲-۱- تأثیر سلبی

آورده صنعت علاوه بر این که شرکت را از مفاهیم نزدیک متمایز می‌کند، مانع بهره‌مندی شریک قبلی از حاصل تلاش شرکای فعلی و شریک منفعل از نتایج فعالیت همتای فعال می‌گردد.

الف: آورده صنعت، متمایز کننده نهادها

آورده صنعت به معنای تعهد به انجام خدمت و فعالیت در شرکت است. بنابراین، این آورده با اشاعه سازگاری ندارد؛ زیرا در اشاعه، به مالک سهمی از مال مشاع، عنوان شریک تعلق می‌گیرد. پس، حضور آورنده صنعت در جمعی که از مال مشاع بهره‌برداری می‌کنند، مستلزم اعطای نام شرکت به گروه است. هرچند، خرید سهمی از مایملک توسط آورنده صنعت و در نتیجه مالکیت مشاع وی به عنوان راهکار پیشنهاد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۷/۲؛ باریکلو، ۱۴۰۲: ۷۴) ولی پرواضح است این راهکار از فرض ما خارج است.

آورده صنعت، قرارداد شرکت را قابل اثبات می‌سازد. برای نمونه، این آورده می‌تواند دلیل وجود «شرکت مخفی»^۱ باشد (Le Cannu, 2012: n°232). منظور شرکتی است که اشخاص درگیر در آن مانند شریک رفتار می‌کنند منتهی شرکت خود را علنی نمی‌سازند (ماده ۲۲۰ ق.ت). در موضوع تشخیص شرکت مخفی، مشکلات این تمایز بیشتر خودنمایی می‌کند، زیرا نوع همکاری طرفین در ارتباط با فعالیت مشترک مشخص نیست. برای تشخیص این نوع شرکت، اثبات ارکان قرارداد شرکت، به‌ویژه

1. Société créée de fait

آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره گیری از آورده‌های... — ۲۳۷

فراوانی آورده صنعت راهگشاست، زیرا شرکاء اصولاً زمان و فعالیت خود را به آن اختصاص می‌دهند (Cozian, 2012: 666).

ب: آورده صنعت، وسیله ایجاد عدالت شرکتی

برای پرداخت مبالغی به شریک بدلیل اختصاص فعالیت و زمان به شرکت راهکارهایی وجود دارند: نخست، انعقاد قرارداد کار. این راهکار به‌ویژه در موردی که شریک، مدیریت شرکت و اساس سرمایه را در اختیار دارد، ناکارآمد است؛ زیرا وی تابع شرکت نیست. دوم، اختصاص سهام ممتاز با اعطای سهم بیش‌تری از سود یا تحمیل سهم کمتری از زیان (ماده ۱۰۸ ق.ت و ماده ۴۲ لایحه ۱۳۴۷). در این راهکار با کناره-گیری، وی به نسبت زیادی در منافع با شرکای فعال سهیم خواهد شد. آورده صنعت به شرط اعطای سهام خاص، راهکار مناسب‌تری است (Cozian, 2012: p.72). این آورده برای افزایش سهم شریک ضامن در منافع نیز کارایی دارد (Le Cannu, 2012: n°235).

آورده صنعت نه تنها ضروری، بلکه مفید است. در واقع، صرف اعطای سهام شرکتی به شرکاء، پیامدی ناعادلانه به همراه دارد: شریک خارج شده با شریک فعال، حقی در منافع پیدا می‌کند؛ وضعیتی که به‌ویژه در شرکت‌های اشخاص پذیرفتنی نیست. دیوان-عالی فرانسه در رای مورخ اول ژوئیه ۱۹۹۷، با بهره‌مندی از جایگاه خود، سود شریک شرکت مدنی حرفه‌ای را کاهش داد (Cass. Ire civ., 1er juillet 1997, n°de pourvoi: 95-17423).

در زمان کناره‌گیری، منفعت متعلق به شریک دارنده سهام شرکتی حفظ می‌شود، در حالی که با خروج آورنده صنعت از شرکت، سهام وی به طور خودکار باطل می‌گردد. شریک خارج شده دیگر قادر به انجام فعالیت نیست؛ بنابراین، او در آینده در منفعت بر پایه سهام باطل سهیم نخواهد شد. هرچند وی در اندوخته قانونی و ارزش افزوده دارایی گذشته شرکت سهم دارد (Hovasse, 1997: 1287).

۲- چگونگی بهره‌مندی از آورده صنعت

با آورده‌ای با این ویژگی‌ها، مسأله چگونگی اختصاص آن برای تشکیل شرکت و نیز چگونگی پرداخت حقوق به آورنده محل گفتگوست.

۲-۱- چگونگی اختصاص آورده صنعت به شرکت

چگونگی اختصاص سهام خاص به آورده صنعت، مستلزم شناخت رژیم حقوقی حصه وی است.

۱-۱-۲- رژیم حقوقی آورده صنعت

می‌توان رژیم حقوقی آورده صنعت را بر دو قاعده استوار دانست: هرچند آورده صنعت در تشکیل سرمایه نقشی ندارد، منتهی آورنده آن شریک واقعی است.

الف: آورده صنعت؛ عدم نقش آفرینی در سرمایه

سرمایه، ارزشی است که از مال به دست می‌آید و تضمین دیون شرکت است (Lamboley, 2006: n°58). آورده صنعت در آن نقشی ندارد (ماده ۲-۱۸۴۳ ق.م.ف) و تقویم آن برای محاسبه سود و زیان است (اسکینی، ۱۴۰۱: ۲۹/۱). در واقع، حصه صنعت با انجام تعهد آورنده آن تحقق می‌یابد و طلبکاران نمی‌توانند آن را توقیف کنند (Cozian, 2012: 71) در حالی که سرمایه باید از مال تشکیل شود که قابلیت توقیف دارد. هرچند، ممکن است حضور یا آورده شخص خاصی به اعتبار شرکت بیفزاید و سرمایه معنوی محسوب شود و اشخاص ثالث به اعتبار وجود آن با این شرکت معامله نمایند.

در این شرایط، تقویم آورده صنعت آسان نیست. این آورده تدریجی الحصول است: تحقق، تأثیر و مدت به حدی مبهم است که ارزش آن را در لحظه تعهد آورنده نامشخص می‌سازد^۱. تقویم ارزیابی و سوددهی صنعت شرکاء در حیات شرکت، به‌ویژه در صورت کاهش یا افزایش فعالیت ایشان نیز محل گفتگوست.

1. JO. Déb. Parl., Sénat, 27juin1966, p.1029.

آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره گیری از آورده‌های... — ۲۳۹

البته دشواری ارزیابی آورده صنعت مانع پذیرش آن نیست. ارزیابی آورده غیر مادی نیز دشوار است، منتهی در سرمایه شرکت نقش دارد و به آن سهام شرکتی تعلق می‌گیرد (Bardoul, 1973: n°9). در شرایطی که شرکاء بهترین داوران این حوزه هستند، باید ایرادی را ردّ نمود که ممکن است آورده صنعت بیش تر از قیمت واقعی ارزیابی شود.

در خصوص تشکیل شرکتی با جمع آورده‌های صنعت باید گفت: با وضعیّت کنونی قانون مدنی، جستجو برای یافتن پاسخ بی‌فایده است. به باور نویسندگان حقوق مدنی، «در نظام قانون مدنی، به پیروی از فقه امامیه، دو نفر نمی‌توانند با جمع خدمت و اعتبار خود تشکیل شرکت دهند» (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۷/۱). فقها شرکت ابدان را نیز صحیح نمی‌دانند؛ منظور شرکتی است میان چند نفر تا مزد عمل هر کدام میان ایشان مشترک باشد (بروجردی، ۱۳۸۰: ۳۲۷). به باور ایشان، شرکت عقدی تنها در مال موجود و حاضر نزد افراد صحیح است و در اعمال صحیح نیست، خواه نوع کار یکی باشد یا مختلف (محقق حلّی، ۱۴۰۸: ۱۱۴، نجفی، ۱۳۶۲: ۹۶/۲۶).

نویسندگان حقوق تجارت نیز تشکیل شرکت با جمع آورده‌های صنعت را امکان‌پذیر نمی‌دانند (اسکینی، ۱۴۰۱: ۲۹/۱) ولی خود اذعان می‌دارند که در مورد شرکت‌های تضامنی، مختلط سهامی و با مسئولیت محدود حداقلی برای سرمایه تعیین نشده است. بنابراین، سرمایه شرکت می‌تواند مبلغ ناچیزی باشد. این نتیجه‌گیری صحیح نیست: در صورت عدم تعیین حداقلی برای سرمایه، تشکیل شرکت با صرف آورده‌های صنعت صحیح است؛ وضعیّتی که ابتکار عمل را صرفاً در اختیار شرکای فعال قرار می‌دهد. البته، در شرکت‌های مختلط سهامی مال بودن آورده شریک سهامی الزامی است (ماده ۱۶۲ ق.ت).

ج: آورنده صنعت؛ شریک واقعی شرکت

با وجود این، آورنده صنعت شریک واقعی است (ماده ۵-۱۸۴۴ ق.م.ف). بنابراین، شرکت متشکل از آورندگان صنعت و مال، تک شریکی نیست. آورنده صنعت مابه‌ازای

فعالیت خویش، منافع دریافت می‌کند (Cozian, 2012: 71)، حق مشارکت در تصمیمات جمعی و اطلاع از اسرار شرکت را دارد. مصادیق اخراج تمام شرکاء صرفنظر از نوع آورده یکسان است (تبصره ماده ۱۳۶ ق.ت) و با به رسمیت شناختن حق کناره‌گیری در حقوق ایران (سیدی آرانی، ۱۳۹۷: ۱۹) وی نیز از آن بهره می‌برد.

فعالیت مؤثر و انحصاری آورنده صنعت به عنوان نماینده واقعی شرکت متبوع الزامی است. از یک طرف، او نباید صرفاً نظاره‌گر فعالیت شرکای دیگر باشد (Behin, 1970: 543). با وجود این، اصل «اجرای مؤثر» ضمانت اجرای لازم را ندارد. تنها راهکار، سنجش کیفیت فعالیت شریک نسبت به همتایان است و کاهش فعالیت شریک ملازمه‌ای با اخراج وی از شرکت ندارد. از طرف دیگر، هر چند فعالیت تمام وقت در شرکت اجباری نیست، منتهی آورنده صنعت باید ماحصل فعالیت خویش را به آن اختصاص دهد و نباید با شرکت وارد رقابت شود (Moulin, 2021: 49).

۲-۱-۲- اختصاص سهام خاص به آورنده صنعت

به باور برخی، «در شرکت‌های اشخاص اهمیت آورده به ارزش آن در سرمایه شرکت بستگی دارد». نتیجه این قاعده آمره، عدم تبعیض میان شریک آورنده صنعت با سایر شرکاء در اعطای سهام شرکتی است (Goldsmith, 1966: n°3). اما صرفنظر از نامشخص بودن مبدأ این قاعده در حقوق فرانسه، اختصاص چنین سهامی مسأله‌ساز است: آورنده صنعت از منافع حاصل از آن سهم می‌برد، حتی اگر از شرکت خارج شود. به علاوه، احتمالاً اعطای سهام شرکتی به چنین شریکی موجب فریب ثالث شود، زیرا او نمی‌تواند مابه‌ازای آورده صنعت را توقیف نماید (Terre, 1967: n°137).

در این شرایط، بر اعطای سهامی بدون ارزش اسمی به آورنده صنعت پافشاری می‌کنیم تا دارنده آن حقی نسبت به منافع پیدا کند منتهی با کناره‌گیری شریک از شرکت، باطل شود. با اختصاص چنین سهامی، شریک خارج شده با شریک فعال، سهم یکسانی در منافع ندارد (Lambolely, 2006: n°58). ارتباط میان آورنده صنعت و فعالیت

آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره گیری از آورده‌های... — ۲۴۱

وی در شرکت^۱ می‌طلبد تا سهام منفعت، قابل واگذاری نباشد. هر چند قانون مدنی فرانسه در این مورد تصریحی ندارد ولی برابر رأی مورخ ۹ فوریه ۱۹۵۵ دیوان عالی، وراث آورنده عنوان شریک نمی‌یابند، زیرا حصه صنعت با فوت آورنده از بین می‌رود (cass. 1 civ. 9 fevr. 1955: Bull. Civ. I, n°67). لحاظ پشتوانه مالی برای آورنده آن در روز کناره‌گیری ممکن نیست؛ وضعیتی که او را از شرکای دریافت‌کننده مال با واگذاری سهم شرکت در زمان خروج از شرکت متمایز می‌سازد. در این شرایط، ضرورت پیش‌بینی چگونگی سهم شدن آورنده صنعت در زیان و احتمال غیبت وی در اساسنامه خودنمایی می‌کند (Castel, 2000: n°22).

۳-۲- چگونگی اختصاص حقوق مالی به آورده صنعت

آورنده صنعت، به عنوان شریک واقعی حق بهره‌مندی از سود، اندوخته (ماده ۱- ۱۸۴۴ق.م.ف)^۲ و باقیمانده عملیات تصفیه را دارد. در شرکت، معیار تقسیم منافع بر پایه فعالیت با شاخص‌های دیگر جایگزین می‌شود. در واقع، ممکن است قسمتی از منافع به سرمایه تعلق گیرد. حال در شرکتی متشکل از صنعت و سرمایه، آیا می‌توان قواعدی ناعادلانه وضع نمود؟ پاسخ بسته به نوع شرکت متفاوت است. ماهیت آورده نیز وضع قواعدی ناعادلانه را در مواردی اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

۳-۱- ضرورت وضع قواعد عادلانه؛ شرکت‌های اشخاص

می‌توان قواعد مالی حاکم بر تمام شرکت‌ها را ذیل دو عنوان مشارکت در سود و زیان و سهم شدن در دیون شرکت بررسی نمود.

الف: مشارکت در سود و زیان شرکت

شرکت، جلوه‌گاه قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم» است؛ «انصاف، ارتباط سود و زیان را می‌طلبد...». نه تنها دو جنبه این قاعده از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند بلکه باید به صورت عادلانه‌ای بر آورندگان حصه‌های متفاوت اعمال شوند.

1. JO. Deb. Parl., Sénat, 25octobre1966, p.1340.

2. Dividendes.

تأکید بر عدم ترجیح آورنده مال بر آورنده صنعت در منافع به ویژه در شرکت های اشخاص، وضع چنین مقرره ای را می طلبد: «تقسیم منافع متناسب با سرمایه شرکت الزامی نیست» (Gouyou, 1993: 13). این راهکار، اصل «تساوی سرمایه و فعالیت» را پایه ریزی می نماید. با وضع تبصره ای می توان به خواست واضعان آیین نامه و شرکاء احترام گذاشت: «آیین نامه خاص هر شرکت و در نبود آن، اساسنامه می تواند روش های تقسیم منافع و میزان آن را مشخص کنند».

مناسب است در شرکت های حرفه ای مانند مؤسسات موضوع ماده ۵۸۴ ق.ت، تقسیم منافع متناسب با میزان مشارکت در سرمایه نباشد. در این مؤسسات، آورده مالی نسبت به صنعت شرکاء اهمیت کمتری دارد (سیدی آرانی، ۱۴۰۱: ۱۲۳). در واقع، منافع، بیش تر ماحصل فعالیت شریک است تا سرمایه.

ب: سهم شدن در دیون شرکت

نباید «سهم شدن در دیون» را با «مشارکت در زیان» یکسان دانست.^۱ تکلیف پرداخت دیون صرفاً در خصوص شرکت های با مسئولیت نامحدود و در روابط میان شرکاء و طلبکاران وجود دارد. شرکای این شرکت ها بیش از میزان آورده خود به شرکت مسئولیت دارند و طلبکاران می توانند علاوه بر شرکت، طلب خود را از ایشان مطالبه نمایند. فقط در روابط بین شرکاء، هر شریک در تادیه قروض شرکت، به نسبت سرمایه خویش مسئول است (ماده ۱۲۴ ق.ت). حال، سهم آورنده صنعت به دلیل عدم تأثیر حصه وی در سرمایه (اسکینی، ۱۴۰۱: ۲۷/۱)، در پرداخت دیون شرکت چگونه محاسبه می گردد؟ در نبود مقرره خاص، آورنده صنعت نیز باید به صورت نامحدود مسئولیت داشته باشد.

۱. برای بررسی بیشتر پیرامون اختلاط این مفاهیم ر.ک: ستوده تهرانی، ۲۵/۱. برای تمایز آنها ر.ک: سیدی آرانی، ۱۴۰۱، اجرای مشارکتی؛ حمایت از منافع پزشک و بیمار در موضوع مسئولیت مدنی، حقوق پزشکی، ۵۷،

آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره گیری از آورده‌های... — ۲۴۳

در این شرایط، آورده صنعت ممکن است مورد توجه کارفرمایانی قرار گیرد که خواهان فرار از مقررات سختگیرانه و آمرانه در خصوص بیمه کارگران (ماده ۱۴۸ قانون کار مصوب ۱۳۴۸ و ماده ۳۰ قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴) و مسئولیت کارفرما نسبت به خسارات ناشی از فعل ایشان (ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹) هستند. در واقع، به محض جذب آورنده صنعت به شرکت، وی نه تنها از شمول این مقررات خارج می‌شود بلکه باید در زیان حاصل از فعالیت سهمیم باشد (ماده ۱- ۱۸۴۴ق.م.ف)، دیون شرکت را پردازد (ماده ۱۵ قانون ۱۹۶۶)^۱ و مسئولیت ناشی از رفتار خویش را بپذیرد (ماده ۱۶ قانون ۱۹۶۶).

قانون تجارت مقررات اندکی در تقسیم دارایی شرکت میان شرکاء در عملیات تصفیه دارد. به باور برخی، قواعد عام حقوق مدنی و قانون امور حسبی بر طرق تقسیم حاکم هستند. البته در اعمال آنها، لحاظ شرایط خاص شرکت های تجاری و شرکاء نیز الزامی است (اسکینی، ۱۴۰۱: ۱۷۷/۱). در نبود مفهوم آورده صنعت در این مقررات، چگونگی تعیین سهم آورنده صنعت در تصفیه در هاله ای از ابهام قرار دارد.

در تصفیه، ابتدا باید دیون شرکت پرداخت شود. در صورت عدم تکافوی دارایی شرکت برای پرداخت دیون، سهم شرکاء در پرداخت تعیین می‌گردد (Lefebvre, 2011-2012: 465). با تساوی آورندگان سرمایه و صنعت، باید با وضع مقرره‌ای، باقی مانده عملیات تصفیه میان شرکاء به نسبت مساوی تقسیم شود (Mauray, 2000: 255). اگر دارایی شرکت پس از آن پرداخت دیون از سرمایه اولیه بیشتر باشد تمام شرکاء و از جمله آورنده صنعت از آن بهره می‌برند. قانون تجارت در خصوص چگونگی تقسیم آن ساکت است. با وجود این، منطقی است این زیاده میان کلیه شرکاء به نسبت سود متعلق به آنها تقسیم شود، زیرا این زیاده ماهیتاً منفعت است

۱. قانون شماره ۸۷۹-۶۶ مصوب ۱۹۶۶ راجع به «شرکت مدنی حرفه‌ای» یادشده از آن در این مقاله با نام «قانون

(اسکینی، ۱۴۰۱: ۱۷۷/۱). اگر نتیجه تصفیه ضرر باشد، آورنده صنعت به میزان سهم در منفعت، در آن سهم خواهد بود.

۲-۳-۲- امکان وضع مقررات ناعادلانه؛ شرکت‌های سرمایه

نظر به نوع شرکت و نیز ویژگی‌های حصه صنعت، وضع قواعدی ناعادلانه در خصوص آورنده صنعت ضروری است. اما نویسندگان ملی به دلیل اختلاط دو مفهوم شرکت مدنی و اشاعه رویکرد متفاوتی نسبت به این شرکت و شرکت تجاری دارند.

الف: در شرکت تجاری

بهره‌مندی بیشتر از منفعت یا تحمیل بیش‌تر ضرر بر شریک شرکت تجاری امکان‌پذیر است (مواد ۱۱۹ و ۱۲۴ ق.ت). البته تردیدهایی وجود دارد: آیا می‌توان به شریک شرکت نسبی بیشتر از نسبت سهم وی در سرمایه، زبانی تحمیل نمود؟ قانون تجارت نصی ندارد، اما ماده ۱۱۹ در خصوص شرکت تضامنی، تقسیم منافع را به نسبت سهم الشرکه می‌داند؛ مگر این که در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر شده باشد. برابر ماده ۱۲۴ قانون تجارت، مسئولیت هر شریک در تادیه دیون به نسبت سرمایه وی در شرکت است. شرکاء در روابط میان خود می‌توانند در شرکت‌نامه به نحو دیگری توافق نمایند.

ماده ۱۸۵ ق.ت، اعمال ماده ۱۱۹ را در مورد شرکت نسبی الزامی می‌داند ولی تصریحی در خصوص ماده ۱۲۴ ندارد. به باور برخی، در مورد شرکت نسبی باید به قانون مدنی مراجعه کرد (اسکینی، ۱۴۰۱: ۴۰/۱). وضعیتی که مسأله ساز است، زیرا به موجب ماده ۵۷۵ ق.م امکان تحمیل ضرر بیش‌تر از سهم وجود ندارد. ضمن این که برای تحمیل زیان بر شریک شرکت، استناد به مقرراتی صحیح نیست که ارکان اشاعه را در خود جای داده‌اند.

در حقوق شرکت‌ها تعیین سود و زیان به نسبت متفاوت امکان دارد. فقط شرط شیری ممنوع است. می‌توان با وضع مقرره‌ای آورنده سرمایه بر صنعت را به ویژه در شرکت‌های سرمایه ترجیح داد: «سهم آورنده صنعت در منافع، مساوی با سهم شریک

آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره گیری از آورده‌های... — ۲۴۵

با کمترین حصه است، مگر در صورت پیش‌بینی خلاف آن در اساسنامه (ماده ۱- ۱۸۴۴ق.م.ف)». بدین ترتیب، سهم وی در زیان نیز به همان میزان تقلیل می‌یابد.

ب: در شرکت مدنی

به باور نویسندگان داخلی (اسکینی، ۱۴۰۱: ۴۰/۱ و ۱۳۶)، در شرکت مدنی، لحاظ سهم بیشتری از سود در مقابل عمل منعی ندارد، ولی در تقسیم ضرر، چنین توافقی محترم نیست. ایشان در تأیید این ادعا، به ماده ۵۷۵ ق.م.ا.ستناد می‌کنند. این موضع‌گیری قابل انتقاد است. اختلاط میان مفهوم اشاعه و شرکت مدنی وضعیتی ایجاد نموده تا امکان اعطای سود و تحمیل زیان بیشتر به شریک (از جمله آورنده صنعت) در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد؛ در حالی که در شرکت مدنی، اختصاص سود بیش‌تر مستلزم انجام عملی نیست و مانعی برای تحمیل زیان بیشتر وجود ندارد (ماده ۱- ۱۸۴۴ق.م.ف).

با وضع مقرراتی، می‌توان مسئولیت آورنده صنعت در پرداخت دیون را کاهش داد. در فرانسه، شریک شرکت مدنی به‌طور نامحدود و به نسبت سهم در سرمایه مکلف به پرداخت دیون است. بند ۱ ماده ۱۸۵۷ ق.م.ف قاعده‌ای به نفع آورنده صنعت دارد: «وی به اندازه شریکی با کمترین سهام، مسئول پرداخت دیون شرکت است»؛ این مقرره، سرنوشت آورنده صنعت را به نفع وی تغییر می‌دهد.

در موضوع تصفیه، هرگاه دارایی شرکت پس از پرداخت دیون به اندازه سرمایه اولیه باشد، تقسیم دارایی به نسبت آورده انجام می‌شود و در نتیجه شریک آورنده صنعت حقی نسبت به دارایی ندارد (اسکینی، ۱۴۰۱: ۱۷۱/۱). اما اگر عملیات تصفیه باقیمانده‌ای داشته باشد و در حیات شرکت، سهم شریک آورنده صنعت در منفعت با شریک آورنده کم‌ترین سرمایه یکسان باشد، باید در باقیمانده عملیات تصفیه شرکت نیز سهم کمتری از سایر شرکاء ببرد. علاوه بر این که، با توجه به ماهیت آورده، آورنده صنعت نمی‌تواند به دریافت حصه خویش امیدوار باشد (Le Cannu, 2012: n°235). در برخی شرکت‌ها می‌توان تصور نمود که با ارتقای آورنده صنعت، مبنای این قواعد ناعادلانه از بین برود.

۳-۲- حذف مبنای تبعیض؛ ارتقای آورنده صنعت

آورنده صنعت در اندوخته‌هایی سهم دارد که به دلیل منافع تقسیم نشده یا آزادسازی ارزش افزوده دارایی ناشی از فعالیت شرکت و در جریان کارکرد شرکت ایجاد می‌شوند زیرا در پیدایش آنها نقش اساسی دارد. چنین امکانی برای موسسات حقوقی موضوع ماده ۵۸۴ ق.ت. راه‌گشاست. می‌توان با بهره‌مندی از این فرصت و وضع مقرره‌ای، اختصاص سهم شرکت را به تمام شرکاء الزام‌آور دانست. جامعیت و مانعیت مقررّه پیشنهادی و نوع معیار برای تقسیم سهم شرکت، محلّ گفتگوست.

الف: مقررّه پیشنهادی برای اختصاص سهم شرکت

این واقعیت فرصت مناسبی برای قانونگذار است تا آورنده صنعت را از سهام در سرمایه بهره‌مند سازد. چنین مقررّه‌ای پیشنهاد می‌شود: «اگر اندوخته‌هایی به دلیل منافع تقسیم نشده یا آزادسازی ارزش افزوده دارایی شرکت ناشی از فعالیت شرکاء ایجاد شوند، لازم است به صورت متناوب سرمایه شرکت افزایش یابد و سهم شرکت حاصل از آن به رایگان میان تمام شرکاء تقسیم گردد (Daigre, 1995: 68)». پیشگیری از مانع تراشی شرکاء در اعمال این مقررّه، وضع چنین تبصره‌ای را می‌طلبد: «چگونگی اعمال این مقررّه در اساسنامه مشخص می‌گردد». بدین ترتیب، اشخاص ماهر فاقد تمکن مالی ابتدا با آورنده صنعت به شرکت وارد و پس از مدتی به شریک در سرمایه تبدیل می‌شوند.

از عبارت «ارزش افزوده ناشی از فعالیت شرکاء» با کمک نوعی مفهوم مخالف که از منحصر کردن ارزش افزوده مدنظر به آنچه از فعالیت شرکاء منتج می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که ارزش افزوده ناشی از سایر عوامل مانند تورّم اقتصادی مطمح نظر نیست. پس این پرسش مطرح می‌شود که کدام بخش دارایی مدنظر است؟

با افزایش ارزش دارایی شرکت، ضرورت تمایز میان دارایی ایجاد شده بدلیل فعالیت شرکاء با دارایی ناشی از اوضاع و احوال خارجی خودنمایی می‌کند؛ تمایزی که آسان

نیست. اصولاً دارایی مادی در معرض استهلاک قرار دارند و در موارد استثنایی بدلیل یک عامل خارجی ارزش آن افزایش می‌یابند. برعکس، ارزش افزوده مشتری وابستگی تامی به فعالیت شرکاء دارد. در نتیجه، ارزش افزوده مدّ نظر همانا ارزش ناشی از افزایش ارزش مشتری است.

با وجود چنین مقرّره‌ای در حقوق فرانسه^۱ دیوان عالی، لحاظ ارزش افزوده در سرمایه و اختصاص رایگان سهام شرکتی را قاعده آمره می‌داند و نکاتی اساسی را مطرح می‌نماید. نخست، افزایش سرمایه شرکتی در مدّت‌های مشخص الزامی است. دوم، اساسنامه نمی‌تواند مانع آن گردد. سوم، این ارزش افزوده باید میان تمام شرکاء تقسیم شود هر چند مربوط به دارایی باشد. منطق وضع مقرّره، چنین اقتضایی دارد. این وضعیت، بیانگر اصل تساوی (از اصول بنیادین شرکت مدنی حرفه‌ای) است.

آیا می‌توان در اساسنامه پیش‌بینی نمود که بخشی از ارزش افزوده به عنوان اندوخته، لحاظ و بخش دیگر به سرمایه وارد شود؟ در پاسخ باید گفت که برابر نصّ مقرّره پیشنهادی، لازم است تمام ارزش افزوده برای سرمایه لحاظ و در نتیجه، به شرکاء سهام شرکتی پرداخت گردد. در اساسنامه فقط می‌توان چگونگی اعمال آن را مشخص کرد نه درج شرطی که به اصل «اختصاص تمام ارزش افزوده به سرمایه شرکت» آسیب زند. اگر زمان افزایش سرمایه در اساسنامه مشخص نباشد، به محض افزایش سرمایه به دلیل مذکور، حق اختصاص ارزش افزوده در قالب سهم‌الشرکه ایجاد می‌شود.

این وضعیت برای آورنده صنعت خارج شده از شرکت نیز ره‌آورد مثبتی دارد، زیرا وی نیز حقوق شرکتی دریافت می‌کند. دیوان عالی فرانسه در رأی دیگری به تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۰۷^۲، مبلغ حاصل آزادسازی ارزش افزوده مشتری ناشی از فعالیت شرکاء را به آورنده صنعت خارج شده قابل پرداخت می‌داند (Piquet, 2010: 32).

ب: معیار انتخابی برای تقسیم سهم‌الشرکه

۱. ماده ۴۳ آیین‌نامه ش ۱۲۷۴-۶۹ مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۹ برای اجرای نمودن قانون ۱۹۶۶ نسبت به ضابطین اجرای احکام دادگستری.

2. Cass. 1 re civ., 6 décembre 2007, n° de pourvoi: 05-17090, inédit

می‌توان در اساسنامه، معیار چگونگی تقسیم سهام جدید میان شرکاء را تعیین نمود. منتهی در سکوت آن، تکلیف چیست؟ معیارهای متفاوتی ممکن است مطرح شوند: نخست، با توجه به معیار تقسیم سهام در سرمایه، سهام شرکتی حاصل از ارزش افزوده پرداخت شود؛ پذیرش این راهکار به دلیل مغایرت با روح مقررّه پیشنهادی ممکن نیست. دوم، اعطای سهام شرکتی صرفاً با لحاظ تعداد سهام منفعت هر شریک صورت پذیرد؛ از آنجا که این ارزش افزوده ناشی از صنعت شرکاء است به شریکی بیشترین سهام تعلق می‌گیرد که در افزایش سرمایه نقش اساسی دارد. سوم، معیار تقسیم منافع مینا قرار گیرد؛ سهام جدید به نسبت منافع پرداختی مابه‌ازای سرمایه و صنعت شرکاء تقسیم شود. در این راهکار، به هر دو سهام سرمایه و منفعت توجه می‌گردد.

بنظر می‌رسد که راهکار سوم موردنظر دیوان عالی فرانسه در رای ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۸ باشد زیرا اگر این مرجع نظر به معیار نخست داشت، میزان دریافتی شریک، به مراتب کم‌تر از میزان مقرر در رای بود. معیار دوم نیز مورد تأیید دیوان نبوده؛ چون اگر این معیار لحاظ می‌شد، میزان دریافتی شریک بسیار بیش‌تر از مقدار مندرج در حکم بود. ولی پذیرش معیار دوم، ارتباطی منطقی میان منشأ سهام، فعالیت شرکاء و اختصاص سهام جدید ایجاد می‌کند. برخی نظر به اعمال معیار تقسیم سهام منفعت برای سهام جدید دارند؛ زیرا منشأ ایجاد سهام جدید است و این ارزش افزوده منحصرأ به دلیل فعالیت شرکاء ایجاد شده است (Daigre, 1999; 26).

در حقوق ایران نویسندگان تلاش نموده‌اند با اندک مقررّات موجود روابط شرکاء را پس از تصفیه شرکت تعریف نمایند منتهی این واقعیت مخفی مانده است که سهم آورنده صنعت در ارزش افزوده دارایی ناشی از فعالیت شرکاء، وی را حتی پس از تصفیه در دارایی خالص^۱ نیز سهیم می‌کند (Le Cannu, 2012: n°235). ضمن این‌که، ایشان برای تقسیم ارزش افزوده، از معیار منفعت بهره می‌برند؛ در حالی که اگر

1. Actif net.

ارزش افزوده مربوط به مشتری باشد، معیار تقسیم سهام منفعت مناسب‌تر است، زیرا ارتباط بهتری میان منشأ ارزش افزوده (فعالیت آورنده صنعت) و ماحصل آن (ارزش افزوده مشتری) ایجاد می‌شود. این وضعیت ریشه در بی‌توجهی به امکان ارتقای آورنده صنعت در شرکت دارد.

نتیجه‌گیری

طرح مقررات «شرکت» قانون مدنی در مبحث اموال و ایجاد و سازماندهی مفهوم شرکت به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خودنمایی می‌کند. به ویژه با ایجاد و سازماندهی آورنده صنعت، چالش‌های فراوان موجود در اثبات و تمایز نهادها و نیز خلأها و تردیدهای لحظه‌تشکیل، حیات و تصفیه شرکت حل می‌شوند.

آورده، رکن شرکت است و علاوه بر ضرورت لحاظ آن در تعریف شرکت در قانون مدنی، وضع مقرراتی در تأیید و ماهیت آورده صنعت ضروری است. بدین ترتیب، تمایز شرکت از اشاعه آسان و تفاوت ارکان آنها مشخص می‌گردد؛ حتی اگر رابطه شرکت و اشاعه، عموم و خصوص من وجه در نظر گرفته شود، گروهی که عضو آن حصه صنعت، آورده در قسمت اختصاصی شرکت جای دارد.

شریک با اختصاص آورده، قصد شریک شدن خود را علنی می‌سازد. در این شرایط، آورده صنعت با نقش متمایزکننده خود عقد شرکت را از قرارداد کار متمایز و با نقش اثباتی خود، وجود شرکت مخفی را محرز می‌نماید. در واقع، قصد شریک شدن، به معنای همکاری ارادی شرکاء بر پایه تساوی برای رسیدن به «منفعت مشترک» است. پس تأیید و سازماندهی منفعت مشترک در مقررات ضرورت دارد.

آورنده مابه‌ازای حصه خود، سهم دریافت می‌کند منتهی به آورنده صنعت به ازای فعالیت در شرکت سهامی خاص پرداخت می‌شود که به وی حقی نسبت به منفعت می‌دهد ولی به دلیل ارتباط آن با فعالیت، با خروج از شرکت باطل می‌شود. با وجود این، ورقه سهم معرف حق مشارکت در سود، تکلیف پرداخت زیان و دین شرکت است.

پس مناسب است قانونگذار با وضع قواعدی عام مسائلی چون سهم آورنده صنعت در سود، زیان و دین شرکت را حل کند.

آورده تحقق فعالیت مشترک را امکان‌پذیر می‌کند. آورده صنعت نیز در شرکتی پذیرفتنی است که بتواند تحقق موضوع را تسهیل نماید. اهمیت این نوع آورده در برخی شرکت‌ها مانند مؤسسات حقوقی و پزشکی، به‌عنوان کانون فعالیت بیشتر است. امکان ارتقای آورنده صنعت به دلیل افزایش ارزش مشتری نیز ریشه در همین واقعیت دارد. وضع مقرراتی در تعیین نوع تعهد آورنده صنعت در قبال شرکت ضروری است.

سرمایه شرکت از جمع آورده‌ها ایجاد می‌شود و حصه صنعت در آن نقشی ندارد؛ واقعیتی که قانونگذار را به ممنوعیت پذیرش آن در شرکت‌های با مسئولیت محدود ترغیب می‌نماید. از آن‌جا که سرمایه، دین شرکت به آورندگان آن است، اگر دارایی شرکت پس از تصفیه به میزان سرمایه اولیه باشد، آورنده صنعت سهمی از آن نمی‌برد. البته امکان تبدیل وضعیت آورنده صنعت به شریک در سرمایه نیز وجود دارد: ارزش افزوده مشتری برای سرمایه شرکت منظور و به وی سهم شرکت داده شود. در این شرایط، تفکیک میان درصد سهم شرکتی، سهم منفعت و سود، تعریف روابط میان شرکاء را در موقعیت‌های مختلف ممکن می‌سازد.

منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۴۰۱)، **حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری**، ج ۱، چ ۳۲، تهران: سمت.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۴)، **حقوق مدنی**، ج ۱، تهران: اسلامیه.
- باریکلو، علیرضا (۱۴۰۲)، **حقوق مدنی ۷ «عقود معین ۲» «عقود مشارکتی، توثیقی و غیر لازم»**، تهران: مجد.
- بروردی عبده، محمد (۱۳۸۰)، **حقوق مدنی**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، چ ۲، قم: اسماعیلیان.
- خندان، علی اصغر (۱۳۹۶)، **منطق کاربردی**، چ ۱۳، تهران: سمت.

آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره‌گیری از آورده‌های... — ۲۵۱

- ستوده تهرانی، حسن (۱۴۰۲)، *حقوق تجارت*، ج ۱، تهران: دادگستر.
- سیدی آرانی، سید عباس (۱۳۹۷)، *مقایسه تطبیقی شرکت نسبی در حقوق ایران با شرکت مدنی در حقوق فرانسه*، حقوق اسلامی، ۵۹، ۷-۳۴.
- سیدی آرانی، سید عباس (۱۳۹۹)، *سازماندهی موسسات حقوقی در پرتوی ویژگی‌های فعالیت (با بهره‌مندی از آورده‌های حقوق تطبیقی)*، تحقیقات حقوقی، ۹۰، ۲۰۷-۲۳۴.
- سیدی آرانی، سید عباس (۱۴۰۱)، *سازگاری مقررات شرکت سهامی خاص و حرفه پزشکی (با بهره‌گیری از آورده‌های حقوق تطبیقی)*، حقوقی دادگستری، ۱۱۷، ۱۰۹-۱۲۹.
- سیدی آرانی، سید عباس، (۱۳۹۳)، *اختلاط مفهوم اشاعه و شرکت در قانون مدنی ایران*، تحقیقات حقوقی، ۶۶، ۲۵۵-۲۸۳.
- سیدی آرانی، سید عباس، ۱۴۰۱، *اجرای مشارکتی؛ حمایت از منافع پزشک و بیمار در موضوع مسئولیت مدنی*، حقوق پزشکی، ۵۷، ۴۹-۶۲.
- صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۶)، *مسئولیت مدنی*، تهران: سمت.
- صقری، منصور (۱۳۷۱)، *تعریف شرکت تجاری*، ج ۲، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶)، *درس‌هایی از عقود معین*، ج ۱، ج ۲۶، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶)، *دوره حقوق مدنی، عقود معین، مشارکت‌ها، صلح*، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- کاشانی، محمود (۱۳۸۸)، *قراردادهای ویژه*، تهران: میزان.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۶۲)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۲۶، ج ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- Bardoul (J), (1973), *Les apports en industrie dans les sociétés civiles professionnelles*, RDS.
- Behin (J), (1970), *Les sociétés civiles professionnelles notariales*, 4^e rapport au 67^e congrès des Notaires, in «Théorie et Pratique des sociétés civiles», Paris:Librairies techniques.
- Castela, (S), (2000), *Société civile professionnelle de notaires. -Société titulaire d'un office. -Constitution*, J. -Cl Sociétés Formulaire, Fasc. S-130, 5 janvier.
- Cozian (M.) et MINGAT (A.), (1997), *L'imposition des bénéficiaires de l'entreprise indivise*, JCP E.
- Cozian (M.), VIANDIER (A.) et DEBOISSY (F), (2012), *Droit des sociétés*, 25^e édition, Paris:LexisNexis.

- Daigre (J. J), (1995), **L'exercice en groupe monoprofessionnel**, publié dans «Exercice en groupe des professions libérales. France, Europe, Etats-Unis», Paris:GLN Joly éd.
- Daigre (J.J.), (1999), **Obligation de partager à intervalles réguliers les plus-values d'actif dues à l'industrie des associés**, note sous arrêt cass. 1re civ., 16 juillet 1998, JCP N 1999.
- Goldsmith, (J.C.), (1966), **A propos du projet de loi sur les sociétés civiles professionnelles**, D.Chr. 37.
- Gouyou (R.), (1993), **L'intérêt du client dans l'exercice en groupe des professions libérales (Avocats, notaires, médecins, pharmaciens)** », LPA, 14 mai 1993, 1^{ère} partie n° 58.
- Hovasse, (H.), **note sous arrêt cass.** 1^{re} civ. , 1^{er} juillet 1997, Defrénois 1997, art. 36684, n°8.
- Lamboley (A.), (2006), **Sociétés civile professionnelle.-Généralités.- Constitution**, J.-Cl Civil Code, Fasc. 10, 22 février.
- Le Cannu (P.) et DONDERO (B.), (2012), **Droit des sociétés**, 4^e édition, Paris:Lextenso.
- Lefebvre (F.), (2011-2012), **Mémento Pratique. Sociétés civiles**, Paris:Levallois-Perret:F.Lefebvre.
- Liet-Veaux (G), (1966), **Une pomme de discorde : Les apports en industrie dans les sociétés civiles professionnelles**, Gaz. Pal., 1966, 2, Doct.
- Loloum, (f), (1998), **RTD com.1998, p. 974, obs. F. DEBOISSY. CE**, 13 mars 1998, RDF 1998, n° 26, comm. 588, concl.
- Maury (F.), (2000), **L'exercice, sous la forme d'une société, d'une profession libérale règlementée**, Aix-en-Provence : Presses universitaires d'Aix-Marseille.
- Moulin, Jean-Marc,(2021), **droit des sociétés et des groupes**, Paris : lextenso.
- Piquet (J.), (2010), **L'originalité du droit de retrait des associés dans les groupements libéraux**, Journal des sociétés, mensuel du juriste et de l'entreprise, mai 2010, n° 76.
- Terré (F.), (1967) **Les sociétés civiles professionnelles (Commentaire de la loi du 29 novembre 1966)**, Paris: JCP.

آراء فرانسوی

- Cass. 1re civ., 1er juillet 1997, n° de pourvoi: 95-17423.
- Cass. 1re civ., 6décembre 2007, n° de pourvoi: 05-17090.

آورده صنعت؛ از ایجاد تا سازماندهی در حقوق ایران (با بهره گیری از آورده‌های... — ۲۵۳

روزنامه رسمی

-JO. Déb. Parl., Ass. Nat., 4 octobre 1966.

-JO. Deb. Parl., Sénat, 25 octobre 1966, p. 1340.

-JO. Déb. Parl., Sénat, 27 juin 1966.

